خبر

صالحی در نشست نمایشگاه کتاب فرانکفورت و بلگراد:

سعی کرده‌ایم حضور مدیران حداقلی باشد نه رژه‌ای

بخش فرهنگی– معاون فرهنگی ارشاد در نشست تشریح حضور ایران در نمایشگاه‌های کتاب فرانکفورت و بلگراد با بیان اینکه این حضورهای حرفه‌ای می‌تواند فرصت‌های تعامل ما با نشر جهانی را گسترده‌تر کند گفت: سعی کرده‌ایم حضور مدیران ارشاد در این نمایشگاه‌ها حداقلی باشد نه رژه‌ای.

به گزارش ایسنا، نشست خبری تشریح برنامه‌های غرفه ایران در نمایشگاه‌های کتاب فرانکفورت و بلگراد یکشنبه ۲۵ مهرماه با حضور سیدعباس صالحی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، امیرمسعود شهرام‌نیا مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و مهرداد آگاهی مدیرکل همکاری‌های فرهنگی و هنری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد.

در این نشست ابتدا سیدعباس صالحی درباره برنامه‌های وزارت ارشاد در این دوره از نمایشگاه کتاب فرانکفورت گفت: در گذشته فضای تجمیعی ایران در این نمایشگاه‌ها یا نبود یا به شکلی که الان به وجود آمده، درنیامده بود. در حال حاضر مجموعه فعالیت‌ها فضایی را فراهم می‌کند که به واسطه آن نشر ایران می‌تواند منظم‌تر و منسجم‌تر در نمایشگاه فرانکفورت حضور پیدا کند.

او در ادامه فعال‌سازی تشکل‌های نشر و واگذاری امور به تشکل‌ها در نمایشگاه فرانکفورت را از جمله فعالیت‌های معاونت فرهنگی در دو، سه سال اخیر برای حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی دانست و گفت: امسال ۵ تشکل مهم بخش وسیعی از غرفه ایران را ساماندهی می‌کردند و برنامه‌ریزی‌ها با هماهنگی‌های این تشکل‌ها انجام شده است. این تشکل‌ها شامل اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، انجمن ناشران دانشگاهی، مجمع ناشران انقلاب اسلامی، مجمع ناشران دفاع مقدس و انجمن زنان ناشر می‌شود.

معاون فرهنگی وزارت ارشاد توجه ویژه به انتخاب کتاب‌ها و کاتالوگ‌هایی که بتواند نشر ایران را معرفی کند از دیگر فعالیت‌ها برای حضور در نمایشگاه‌های کتاب فرانکفورت و بلگراد عنوان کرد.

او همچنین به افزایش ناشران مستقل برای حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت اشاره کرد و گفت: از فعالیت‌های ما در این زمینه ترغیب و تشویق ناشران مستقل برای حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت بوده است. در این زمینه تشویق‌هایی از سوی معاونت فرهنگی صورت گرفته است به همین خاطر امسال تعداد بیشتری از ناشران در نمایشگاه شرکت می‌کنند. این حضور حرفه‌ای می‌تواند فرصت‌های تعامل ما با نشر جهانی را گسترده‌تر کند.

صالحی در ادامه به فعالیت‌هایی در زمینه غرفه‌آرایی و زیبایی بصری غرفه ایران در نمایشگاه فرانکفورت اشاره کرد و گفت: با توجه به اینکه ایران جایگاه هنر شرقی تلقی می‌شود، سعی کرده‌ایم که این حضور با کج‌سلیقگی هنری همراه نشود. همچنین سعی کرده‌ایم حضور وسیع ناشران، نویسندگان و خبرنگاران را در این نمایشگاه داشته باشیم. در این زمینه در قالب حمایت‌های مالی و غیرمالی تشویق‌هایی از این افراد صورت گرفته است.

۱۰۰ اثر از نویسندگان ایرانی به ناشران جهان معرفی می‌شود

بخش فرهنگی– آژانس ادبی پل ۵۰ جلسه کاری برای معرفی ۱۰۰ اثر ایرانی را در برنامه کاری خود برای نمایشگاه کتاب فرانکفورت قرار داده است.

مجید جعفری اقدم مدیر آژانس ادبی پل در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به برنامه‌های این موسسه به عنوان تنها آژانس ادبی حاضر در غرفه ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت اظهار کرد: به عنوان تنها آژانس ادبی ایرانی ۱۵ کاتالوگ ویژه برای معرفی ۱۵ نویسنده معتبر ایران و آثار آنها به همراه بیش از ۵۰ بروشور ویژه، مختص معرفی هر عنوان کتاب، فراهم آمده است.

وی افزود: دو کاتالوگ ویژه نیز برای معرفی ۵۰ عنوان کتاب ایرانی در موضوعات معارف اسلامی و علوم انسانی برای عرضه در فرانکفورت به زبان انگلیسی فراهم آمده است.

مدیرآژانس ادبی پل در ادامه از برنامه دیدار و مذاکراتش با ناشران معتبر جهان در نمایشگاه فرانکفورت خبر داد و گفت: برگزاری حداقل ۵۰ جلسه کاری برای معرفی بیش از ۱۰۰ اثر ایرانی متعلق به ۱۲ نویسنده ایرانی که آژانس ادبی و ترجمه پل افتخار معرفی آثارشان را در سطح جهان به عهده دارد در جدول برنامه ها و فعالیت هادر فرانکفورت در دستور کار قرار دارد.

به گفته جعفری اقدم آثار نویسندگانی همچون ابراهیم حسن بیگی، حمیدرضا شاه آبادی، مرجان فولادوند، محمدرضا بایرامی، ناهید عبقری، محسن لاسمی، بهروز ارژنگ پور، سراج رامشخواه و... دراین نمایشگاه به ناشران و آژانس های ادبی معتبر دنیا عرضه و معرفی خواهند شد.

گفت و گو با فریبرز عرب‌نیا، بازیگر:

دیگر در این سینما کار نخواهم کرد

دنیاخمامی

فریبرز عرب‌نیا این روزها در خارج از کشور به سر می‌برد و در هیچ پروژه سینمایی حضور ندارد. او از سینمای ایران و مدیریت بسیار ناراضی و گلایه‌مند است. بازیگر نقش شهید چمران در فیلم سینمایی «چ» و مختار در «مختارنامه» روز اول محرم در گفت‌وگویی با «خبرآنلاین» درباره وضعیت حضور خود در سینمای ایران و همچنین بازپخش‌های چندین‌باره مجموعه «مختارنامه» و به سرانجام نرسیدن همکاری دوباره‌اش با داود میرباقری سخن گفت. این شاید اولین گفت‌وگوی مفصل فریبرز عرب‌نیا است که پس از سال‌ها پیرامون مباحث مختلف انجام شده است.

آقای عرب‌نیا، درحال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

در حال حاضر مشغول پرداختن به امور زندگی هستم. بیشتر وقتم صرف آشپزی و خانه‌داری می‌شود و سامان دادن به کارهای جان‌یار و کمک به او در کارهایش اولویت زندگی‌ام است. اوقات فراغتم را نیز به ورزش و مطالعه می‌پردازم.

این اواخر فیلمنامه خوبی به دستتان رسیده که روی آن تامل کنید و بخواهید درباره‌اش تصمیم‌گیری کنید؟

زمانی که من بیرون از ایران هستم، تقریباً از سینما بی‌خبر می‌شوم و از طریق اینترنت و فضای مجازی پیگیر اتفاقات می‌شوم و موضوعات را دنبال می‌کنم. اما فیلمنامه‌ای با نام «هجرت» موجود هست که یکی دو سال پیش روی آن کار می‌کردم و به پیشنهاد برخی از دوستان در کشور سوئد آماده شد که موضوعی درباره مهاجرت دارد. قرار بود این پروژه تابستان گذشته اجرایی شود که به خاطر شرایط من و قراردادم با پروژه «ماه تی‌تی» متاسفانه به سرانجام نرسید و فصلش هم گذشت. امیدوارم سال دیگر بتوانم آن را انجام بدهم.

به تازگی فیلم «گاهی» با بازی شما وارد شبکه نمایش خانگی شده است، چقدر از خروجی این کار راضی هستید؟

حقیقتش این است که از فیلم «گاهی» اصلاً راضی نیستم. خروجی کار بسیار ضعیف از آب درآمده است؛ به دو دلیل خیلی مهم: اول اینکه تهیه‌کننده و کارگردانش اشخاصی نابلد بودند! نتیجه‌اش هم می‌شود این که با وجود زحمت عوامل و انرژی که گذاشتیم، کار بسیار سطحی از آب درآمده است و ایراداتی فاحش دارد.

«آخرین بار کی سحر را دیدی» هم به زودی وارد چرخه اکران می‌شود فکر می‌کنید این فیلم می‌تواند در اکران موفق باشد؟

درباره «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» نمی‌توانم هیچ نظری بدهم چون هنوز نتیجه کار را ندیده‌ام. اما در مورد اینکه می‌تواند موفق باشد، ندیده هم می‌توانم بگویم که چرخه اکران در ایران و موفقیت در فروش فیلم به عوامل زیادی بستگی دارد که این عوامل متاسفانه نه سینمایی و فرهنگی و نه هنری هستند. در حال حاضر تاثیرات ویرانگر سیاست است که بر روی حیات سینما سایه افکنده و روی فروش فیلم‌ها تاثیر می‌گذارد.

راستی پروسه قانونی که داشتید برای بازپس‌گیری حق و حقوقتان از فیلم‌های «آخرین بار کی سحر را دیدی» و «گاهی» طی می‌کردید به کجا رسید؟

بعد از یک سال و چندین ماه دوندگی در ایران و خارج از ایران نهایتاً کار به جایی رسید که خانه سینما و شورای حل اختلاف، حق را به بنده دادند. طرفین دعوا را که آقای امیر پورکیان (فیلم «گاهی») و آقایان فرزاد موتمن و سعید عصمتی («آخرین بار کی سحر را دیدی؟!») بودند ملزم به پرداخت دیون‌شان به اینجانب کردند. درنهایت وقتی کار به ارشاد رسید این وزارت‌خانه کم کاری کرد و من به حقم نرسیدم.

درهمین راستا آخرین بار با آقای فرجی صحبت کردم که قول‌هایی شنیدم مبنی براینکه جلوی اکران این فیلم‌ها گرفته می‌شود تا حساب‌شان را تسویه کنند، اما این اتفاق هم نیفتاد.

هردو فیلم «گاهی» و «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» اکران شد و می‌شود و متاسفانه به نظر می‌رسد ما همچنان باید از حقوق خودمان بگذریم اگرچه حق با ماست. دلیل آقایان درباره فیلم «گاهی» این بود که با حکم قوه قضاییه، حکم خانه سینما بلااثر می‌شود و نکته جالب و تاسف‌برانگیز ماجرا هم این است که آن حکمی که امیر پورکیان به ارشاد ارائه داده، یک فتوکپی بدون امضا است! دوستان در ارشاد حتی به خودشان زحمت ندادند که از او بخواهند حکم اصلی را ارائه بدهد و فقط منتظر هستند تا با کم‌ترین نشانه‌ای مسئولیت را از دوش خودشان بردارند.

به گفته حقوق‌دان‌هایی که با آنها مشورت کردم، آن حکم مشکوک و ایرادات جدی قضایی دارد. یکی از ایرادات این است که من را مجهول الآدرس اعلام کردند درحالی که از بنده سه نشانی در پرونده موجود است؛ از جمله نشانی که خانه سینما هم حکم را به آن ارسال کرده است. معلوم است که آقای پورکیان و دوستان از غیبت من استفاده کردند و ادعایی مخدوش را به قاضی رساندند که این قاضی به نظر نه از سینما خبری داشته و نه از حضور من در خارج از ایران و آدرس‌هایم در کشورم.

یکی دیگر از ایرادات این است که نوشته‌اند متن به امضای فرد رسیده نه هیئت مدیره درحالی که یک هیئت، شورای حل اختلاف بوده است و... همه اینها را کنار بگذاریم ارشاد بی‌توجهی غیرمسئولانه کرده است که حتی اگر حکم درست باشد هم زمانی برای اعاده دادرسی و تجدید نظرخواهی در حکم وجود دارد و حکم هنوز قطعی نیست که آنها نسبت به این بند بی‌توجه بودند. نمی‌دانم چطور به آموزه‌های دینی‌مان نگاهی ندارند که حتی یک کشور هم با کفر ممکن است حیات داشته باشد، اما با ظلم نه و این یک ظلم مشهود است و در این موضوع حق مسلم من خورده شد. مسئولان، فیلم در چرخه اکران کم دارند و برای همین حاضر هستند هر فیلمی را اکران کنند و در این راستا با ساده‌انگاری حقوق کسانی مثل من را زیر پا می‌گذارند. در کل باید بگویم تنها بزنگاه برای رسیدن من به حقم ارشاد بود که آن هم به لطف بعضی از مدیرانش از دست رفت، این میزان از تعهد و وظیفه‌شناسی را به آنها تبریک می‌گویم و برای خود و همکارانم متاسفم.

گفته می‌شد در پروژه جدید داود میرباقری به نام «ماه تی تی» حضور خواهید داشت اما این همکاری به نظر منتفی شد، چرا؟

من با تهیه‌کننده قرارداد منعقد کرده بودم و آماده شده بودیم که برای اقامت پسرم و تحصیلش راه‌حل‌هایی پیدا شود تا من بتوانم هفت ماه با این پروژه همراه باشم اما متاسفانه به نظرم رسید که این پروژه توان انجام تعهدات را ندارد. درنهایت با تایید حدس بنده از طرف تهیه‌کننده متوجه شدیم نه تنها قول‌هایی که به بنده داده شده که حتی بر امضاهایی که در قرارداد وجود داشت هم جای شک و شبهه بود. برای همین من ترجیح دادم دوستی‌ها حفظ شود و مشکل دیگری برایم پیش نیاید. خیلی بی‌پرده باید بگویم برای سه فیلم آخری که کار کردم بلااستثناء دستمزدم را کامل دریافت نکردم و این انگار یک رویه عادی در سینما و تلویزیون شده است. من ترجیح دادم دوباره دچار این معضل نشوم به خاطر اینکه شکل زندگی‌ام و اقامت پسرم و تحصیلش در خارج از کشور اجازه همچنین مسائلی به من نمی‌دهد، برای همین از پروژه «ماه‌تی‌تی» جدا شدم.

هنرمندان اغلب نسبت به این موضوع که به ناحق مورد داوری و قضاوت قرار می‌گیرند گلایه می‌کنند این گلایه ها از وقتی بیشتر شد که نشریه یالثارات اول نسبت به پوشش هنرمندان در جشن حافظ و حالا به سه نفر از سینماگران شاخص هتاکی و توهین کرده است ، شدت گرفت. شما به عنوان یکی از بازیگران مهم سینمای ایران در این باره واکنش یا اظهارنظری ندارید؟

نظری ندارم، اما به شکل خیلی کلی می‌توانم بگویم که متاسفانه این گردابی که هنرمندان در آن مشغول غرق شدن هستند به این دلیل است که تنها از زاویه سیاست به مسائل نگاه، و فرهنگ نادیده گرفته می‌شود. برخوردها همه سیاسی است و کنش‌ها همه براساس منافع سیاسی است. اگر کنشی انجام بشود قطعاً سیاسی است و اگر انجام نشود هم باز سیاسی است.

متاسفانه به ریشه‌ها پرداخته نمی‌شود؛ ریشه‌ها یعنی اصلاح قوانین سینمایی، یعنی ایجاد قوانین جدید در مجلس و گذراندن آن از تصویب برای همه نهادها، ریشه‌ها یعنی تعریف درستی از فرهنگ و نگاه ما به آن و اینکه اساساً چه توقعی از آن داریم. ریشه‌ها یعنی اینکه تمام فرهنگ را در مقابله با سینما و موسیقی و نابودی دیده‌ایم. مسائلی که باید از ابتدا در مدارس به بچه‌ها آموزش داده شود مثل نحوه رابطه با دیگران، رانندگی، بهداشت، نگهداری از محیط زیست، اخلاق پهلوانی و.... کاملاً نادیده گرفته می‌شود و همه چیز صرفاً از زاویه سیاست و سیاست‌زده‌گی دارد به قهقهرا می‌رود.

امیدوارم با این اتفاقات مسئولین به خودشان بیایند و کاری بکنند. این مسائل و توهین‌ها مستقیماً مرتبط با بهداشت روانی و ناهنجاری‌هایی است که اگر کمی مسئولین سیاست را کنار بگذارند و به مسائل انسانی توجه نشان بدهند شاید شاهد تغییرات مثبت باشیم. به نظرم می‌آید که در همه عرصه‌ها به خواب غفلت فرو رفته‌ایم و خیلی ارزش‌ها فراموش شده است. امیدوارم مسئولینی که همچنان با دغدغه‌مندی بدون توجه به منافع شخصی یا حزبی‌شان با صداقت دارند زحمت می‌کشند و به رضایت خالق و مخلوق فکر می‌کنند بتوانند بیشتر از قبل در کارشان موفق باشند.

به نظر شما خانه سینما با هیات مدیره جدید و سازمان سینمایی تا چه حد توانستند حقوق از دست رفته بازیگران و هنرمندان را به آنها برگردانند؟ آیا در این زمینه موفق عمل کردند؟

من یک آدم فرهنگی هستم و علاقه‌ای ندارم حرف سیاسی بزنم، اما به واسطه دغدغه‌های فرهنگی‌ام حضور ویرانگر سیاست را در این عرصه، پررنگ‌تر از هرچیزی می‌دانم. متاسفانه در زمینه فرهنگی، دولت اصلاً و به هیچ عنوان موفق نبوده و عقب‌گرد داشتیم؛ این دیگر اظهرمن‌الشمس است. بیش از هرچیز به نظر می‌رسد که همیت دولت در سیاست‌های وزارت ارشاد مورد غفلت واقع شد. امیدوارم این رویه هرچه سریعتر اصلاح شود چون تمام این مسائل ریشه فرهنگی دارد. خودخواهی‌ها، بی‌توجهی به دیگران، ظلم ، فساد و... همه و همه به خاطر فقر فرهنگی است. این انتقادات هم به معنی زیرسوال بردن دولت اقای روحانی نیست و حرف‌های من در مواجهه با مسائل فرهنگی در این دولت زده شد و شئون دیگر را زیر سوال نمی‌برم و شاید لازم باشد بگویم که من مثل دوره قبل بازهم به آقای روحانی رای خواهم داد، مگراینکه شخص بهتری نسبت به این کاندیدا پا به عرصه بگذارد.

امسال به مناسبت ایام محرم برای چندمین بار «مختارنامه» این بار در قالب تله‌فیلم‌های موضوعی از تلویزیون پخش می‌شود. پخش چندمین باره این سریال شما را خوشحال یا ناراحت می‌کند؟ از این جهت می‌پرسم ناراحت که وقتی سریالی چند بار روی آنتن برود، لوث می‌شود و حتی مخاطبان ثابت گذشته‌اش را هم از دست می‌دهد.

وقتی هنوز بعد از بارها پخش می‌بینم که مخاطبین با شوق نگاه می‌کنند و بازی من و سریال هم برای‌شان تکراری نشده قطعاً باعث خوشحالی من است. اما از چند جهت هم موجب نگرانی‌ام می شود به جای اینکه بگویم ناراحت می‌شوم باید تاکید کنم که نگران می‌شوم چرا که در درجه اول این موضوع نشان دهنده این است که تولیدات خوب انجام نمی‌شود و اصطلاحا کفگیر به ته دیگ خورده است.

دومین موضوعی که نگرانم می‌کند این است که ممکن است این مجموعه به جهت تکرار زیاد به

قول شما لوث شود. اما چیزی که بیشتر نگرانم می‌کند این است که بازهم نگاه سیاسی - عقیدتی بر موضوع سایه انداخته؛ نگاهی که هنر را موظف می‌داند و برایش کارکرد متصور است و آن کارکرد را هم در معنی کردن فرهنگ به صورت خیلی محدود و فقط با توجه خطوط قرمز تلویزیون و ارشاد پیش می‌برد نه نگاه و دغدغه‌مندی فرهنگی.

وقتی به ریشه‌یابی این پدیده هم برسیم که قطعاً همگی نگران‌تر می‌شویم وقتی ندانیم این نگاه با سرنوشت کشور ما چه خواهد کرد. درنتیجه با عنوان همه این نگرانی‌ها باید بگویم امیدوارم وقتی که «مختارنامه» نزد مردم عادی شد و از آن استقبال نکردند این مجموعه دیگر پخش نشود.

حالا که بیشتر اوقات سال را خارج از کشور زندگی می‌کنید نگاه‌تان به سینمای ایران و جوایزی که به تازگی نصیب‌مان شده است چیست؟

از نگاه من اصلا ما سینمایی نداریم به معنای اینکه وقتی مخاطبان، فروش و تولید قابل دفاع وزین مثل تک‌ستاره‌ها می‌آیند و می‌روند این دیگر اسمش سینما نیست چون جریان نیست، اتفاق است؛ یک اتفاق نادر. اما در جریان تولید مداوم حرفه‌ای خواه ناخواه آثار قابل دفاع و وزین هم بیرون می‌آید چون در آن شرایط کارگردانان سینما با تعداد بیشتری و بازیگران و عوامل متعدد در حال اجرای فیلمنامه‌های متنوع و براساس سلیقه ها و گروه‌های سنی مختلف جامعه خواهند بود نه فقط با اهداف و جهت‌گیری‌های صرفاً حکومتی.

سینمایی که کارهای فرمایشی داشته باشد و اتفاقات تک‌ستاره‌ای، سینمای مداوم و صاحب حیات نیست. مثل بچه‌ای است که نشسته است و هرچند ماه یک بار بلند می‌شود و دوباره می نشیند؛ این کودک سالم نیست چون نشسته است، فعلاً که نشسته است امیدواریم کمی بعد کلاً نخوابد.

نمی‌خواهید دوباره طبع کارگردانی‌تان را امتحان کنید و این بار فیلم سینمایی‌تان بسازید؟ پروژه «آمبولانس» که چندسال پیش خبری شده بود عملیاتی نمی‌شود؟

با صراحت اعلام می‌کنم که تا وقتی مسئولین فعلی ارشاد از وزیر تا مدیران میانی بر سرکار هستند، من دیگر در سینمای ایران کاری نخواهم کرد. از همه بیشتر هم خودم متاسف هستم اما این تنها راهی هست که برای مقابله با این اتفاقات دارم. دوستی می گفت در دوره قبل هربار به ارشاد می‌رفتی با جواب «نه» برمی‌گشتی اما در این دولت پاسخ «آره» می‌گیری اما کارت انجام نمی‌شود. این تلخ‌کامی‌اش بیشتر است. آنچه که برمن می‌رود نماد و سمبلی است از آن چیزی که برهمه ما سینماگران می‌رود. به این جهت من صرفاً به خاطر نشان دادن اعتراضم درمورد بی‌توجهی مسئولین ارشاد به حقوق هنرمندان و آینده‌شان و مصائبی که درگیرش هستند دیگر با این مدیریت کار نخواهم کرد. حتی اگر با رای دادن دوباره من به آقای روحانی دوباره همین سیاست‌ها در ارشاد باشد، باز هم پایم را به سینما نمی‌گذارم و کار نخواهم کرد. برای همه همکارانم از همین جا آرزوی موفقیت می‌کنم. امیدوارم بتوانم برای کشورم و مردم و فرهنگ ایران عزیز فردی مفید باشم.

سوالی که اینجا برای من پیش می‌آید این است که یعنی اگر نقشی بسیار خوب و وسوسه‌کننده به شما پیشنهاد شود حاضر هستید که پاسخ منفی بدهید و کار نکنید؟ یعنی اگر به طور مثال اصغر فرهادی هم به شما یک نقش خوب در فیلمش پیشنهاد بدهد شما حاضر هستید آن پیشنهاد را رد کنید؟

ببینید من باز تاکید می‌کنم که با این سیاست‌های ارشاد دیگر در سینمای ایران کار نخواهم کرد؛ یعنی تولیدی که در داخل ایران باشد و براساس قواعد وزارت ارشاد و چرخه اکران و مسائل حقوقی مرتبط با آن (از جمله شکایات) صورت بگیرد. وقتی رویه این باشد بله دیگر کار نخواهم کرد؛ البته شاید بتوان این را هم گفت که درحال حاضر دیگر کارگردانی که بخواهد این‌قدر من را وسوسه کند که در فیلمش نقشی بازی کنم وجود ندارد و تولیدات اینقدر ترغیب کننده نیستند. فقط می‌ماند همان آقای فرهادی که آن هم قطعاً اگر در یک پروسه تولید جهانی باشد صد در صد بدون فکر پاسخ مثبت خواهم گفت. اما اگر آن پروژه داخل ایران باشد و براساس فیلمنامه مصوبی ارشاد و درگیر چرخه و شورای اکران و با این مدیران باشد، بله، قطعاً خواهم گفت: نه!

خبر

پاسخ جنتی به شایعه رفتنش از وزارت ارشاد

بخش فرهنگی– وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره رفتن و نرفتنش از وزارت ارشاد گفت: چند روز صبر کنید تا نتیجه مشخص شود.

به گزارش ایسنا، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۵ مهرماه با حضور در ستاد برگزاری انتخابات هیأت نظارت بر مطبوعات درباره شایعاتی که این روزها درباره رفتنش از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح است، اظهار کرد: چند روز صبر کنید تا نتیجه مشخص شود.

علی جنتی که در پاسخ به ایسنا صحبت می‌کرد، ادامه داد: چند روز دیگر نتیجه مشخص می‌شود و من درباره این موضوع صحبت نمی‌کنم.

او همچنین درباره اولین انتخابات الکترونیکی هیات نظارت بر مطبوعات کشور به بیان توضیحاتی پرداخت و گفت: تاکنون خوشبختانه استقبال خوبی از سوی مدیران مسئول رسانه‌ها شده است و تعدادی از آن‌ها در این انتخابات شرکت کردند. جنتی در پاسخ به پرسش خبرنگار دیگری درباره اولین انتخابات الکترونیک کشور اظهار کرد: خوشبختانه این انتخابات به صورت الکترونیک برگزار می‌شود که خیلی اطمینان بخش است. در مطبوعات به تفصیل در این باره بحث شده بود که بتوانیم برای انتخابات یک سیستم ایمن را تبیین کنیم و خوشبختانه با همکاری دوستانی که در حوزه آی تی فعالیت دارند این امر تحقق پیدا کرده است.

او با اشاره به روند برگزاری انتخابات اعضای هیأت مدیره هیأت نظارت بر مطبوعات ادامه داد: امروز هم با وجود اینکه تنها یک ساعت و نیم از آغاز انتخابات گذشته است، حضور مدیران مسئول چه در استان تهران و چه سایر استان‌ها خیلی خوب بوده است.

تشکر شمس لنگرودی از کویتی‌پور

بخش فرهنگی – شمس لنگرودی در پیامی به غلام کویتی‌پور مواضع او را ستود. به گزارش ایسنا، این شاعر، پژوهشگر و بازیگر سینما در پی صحبت‌های اخیر غلام کویتی‌پور – مداح و خواننده –، صراحت، صمیمیت، دفاع از هنرمندان مستقل و اعتراض او به ریاکاری را ستود.

کویتی‌پور هم در پاسخ به شمس لنگرودی گفت من خاک پای مردم و هنرمندانم.

در مصاحبه اینترنتی فریدون جیرانی با غلام کویتی‌پور که اخیرا منتشر شده، او به حمایت از هنرمندان پرداخته و از این موضوع انتقاد کرده که طی این سال‌ها دافعه خیلی بیش‌تر از جاذبه بوده است. او در صحبت‌هایش همچنین بر باز شدن فضا برای کار هنرمندان تاکید کرده است.

محمود حسینی‌زاد مطرح کرد:

دفاع از جایزه نوبل و انتخاب‌هایش

بخش فرهنگی– محمود حسینی‌زاد با دفاع تمام‌قد از جایزه نوبل ادبیات و انتخاب‌های آن می‌گوید: کسانی که الان به این روند ایراد می‌گیرند، همان کسانی هستند که وقتی پاموک جایزه گرفت پدر خودشان را درآوردند، چون شناختی از او نداشتند.

با مشخص شدن برگزیده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۶ و انتخاب باب دیلن، خواننده، آهنگ‌ساز و ترانه‌سرای آمریکایی، برخی از اهل ادبیات همچون برخی سال‌ها این انتخاب را تعجب‌برانگیز خواندند و به انتقاد از روند انتخاب‌های آکادمی نوبل پرداختند. اما در این بین هستند اهل قلمی که از این انتخاب و روندی که جایزه نوبل در پیش گرفته راضی هستند و آن را بر اساس اصول کاری و حرفه‌ای جایزه نوبل می‌دانند. یکی از این افراد محمود حسینی‌زاد است که خود برگزیده جایزه «گوته» آلمان شده است.

متن گفت‌وگوی ایسنا با این داستان‌نویس و مترجم درباره معرفی برنده جایزه نوبل ادبیات در پی می‌آید.

آقای محمود حسینی‌زاد با توجه به انتخاب باب دیلن به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات، برخی معتقدند انتخاب‌های این جایزه در چند سال اخیر تعجب‌برانگیز بوده است؛ آیا شما هم بر این عقیده‌اید؟

حالا سوال من این است که چرا برای شما یا جامعه ما این انتخاب تعجب‌برانگیز است؟

چون این اعتقاد وجود دارد که در زمانی که نویسندگان و شاعران زیادی در دنیا هستند که به طور اخص به ادبیات می‌پردازند چرا باید این جایزه به کسانی مثل باب دیلن یا الکسی‌یویچ و... تعلق بگیرد؟

از نظر من این بعضی‌ها کسانی هستند که هنوز در اوایل قرن بیستم مانده‌اند. آن‌ها هنوز مارسل پروست را ادبیات می‌دانند و شولوخوف را.

آیا هدف خود آلفرد نوبل از راه‌اندازی جایزه ادبیات هم همین روندی بود که در حال حاضر در این جایزه در پیش گرفته شده است؟

هدف هر جایزه معتبری بها دادن به نوآوری‌ها در حوزه مربوطه است، و جایزه نوبل ادبیات هم در همین راستا حرکت می‌کند. کسانی که الان به این روند ایراد می‌گیرند، همان کسانی هستند که وقتی پاموک جایزه گرفت پدر خودشان را درآوردند، چون شناختی از او نداشتند. نمی‌شناسند و چند سال که می‌گذرد مشخص می‌شود که انتخاب‌ها درست بوده است. درباره پاموک همین‌طور هم شد و این نویسنده بعدها نشان داد که واقعا نویسنده است. اما زمانی که جایزه نوبل گرفت همین آدم‌ها که امروز به جایزه نوبل ایراد می‌گیرند می‌گفتند که چرا پاموک جایزه گرفته است؟ ما هنوز در نیمه اول قرن بیستم مانده‌ایم و جلوتر نیامده‌ایم.

الان شما برگزیده شدن باب دیلن را درست می‌دانید؟

بله. انتخاب عالی بود. معتقدم ادبیات یعنی همین. سال‌هاست دوره «موهای طلایی‌اش در آفتاب می‌درخشید...» به سرآمده است.

درباره انتخاب چرچیل در این جایزه هم همین نظر را دارید؟

بله. برای این‌که معتقدم این انتخاب هم در زمان خودش درست بود. بخوانید دلیل این که چرچیل نوبل گرفت، چی بود، حتی فن بیان و سخنرانی‌اش را هم در نظر گرفته بودند. در سال ۱۹۵۳ که چرچیل کاره‌ای نبود که بخواهند هندوانه زیر بغل غرب بگذارند. از یک طرف تمام تئوری‌های ادبی خودمان را از غرب می‌گیریم، متر و معیارمان غربی‌ها هستند، بعد همان غربی‌ها که داوری می‌کنند، ایراد می‌گیریم. این ما هستیم که درجا می‌زنیم.

آیا شما معتقدید که سیاست و مسائل مربوط به نظام‌های حاکم در دنیا بر روند انتخاب جوایز تأثیر دارد؟

الان آدمی که جایزه گرفته ۵۰ سال برای سیاه‌پوستان و سفیدپوستان زحمت کشیده است. با واژه‌هایش، با سرود و شعرهایش. اما این نظر ما شرقی‌هاست که او را مطرب می‌دانیم و می‌گوییم چرا کوندرا جایزه نگرفته است. به پاموک و هرتا مولر و الفریده یلینک و الکسی‌یویچ هم ایراد می‌گرفتند بی آن‌که یک صفحه از کارهایشان را خوانده باشند. این حرف‌ها به خاطر دور بودن ما از ادبیات دنیاست.